

تری ایگلتون

---

---

# چگونه شعر بخوانیم

---

---

ترجمه‌ی

پیمان چهرازی



۱. سبک‌های مختلف شعر	۷۸
۲. سبک‌های مختلف شعر	۷۸
۳. سبک‌های مختلف شعر	۷۸
۴. سبک‌های مختلف شعر	۷۸
۵. سبک‌های مختلف شعر	۷۸

۱۱۱ زبان و ادبیات فارسی

۱. سبک‌های مختلف شعر	۱۱۱
۲. سبک‌های مختلف شعر	۷۱۱
۳. سبک‌های مختلف شعر	۲۶۱
۴. سبک‌های مختلف شعر	۵۶۱
۵. سبک‌های مختلف شعر	۶۵۱

فهرست

۱۱	یادداشت مترجم	۵۹۱
۱۵	مقدمه	۶۸۱
۱۷	کارکرد نقد	۲۶۱

۱ کارکرد نقد ۱۷

۱۷	۱. آیا نقد به پایان رسیده است؟	۵۱۷
۲۷	۲. سیاست و بلاغت	۵۱۷
۳۸	۳. مرگ تجربه	۵۱۷
۴۵	۴. تخیل	۵۱۷

۲ شعر چیست؟ ۵۱

۵۱	۱. شعر و نثر	۶۲۷
۵۵	۲. شعر و اخلاق	۶۲۷
۵۹	۳. شعر و داستان	۶۲۷
۷۰	۴. شعر و عمل‌گرایی	۶۲۷
۷۵	۵. زبان شعری	۶۲۷

۳ فرمالیست‌ها ۸۵

۸۵	۱. ادبیت	۶۵۱
----	----------	-----

- ۲. بیگانه‌سازی
- ۳. نشانه‌شناسی یوری لوتمان
- ۴. مغالطه‌ی تجسّدی

۴ در جست‌وجوی فرم ۱۱۱

- ۱۱۱. ۱. معنای فرم
- ۱۱۷. ۲. تقابل فرم و محتوا
- ۱۳۲. ۳. فرم به‌مثابه محتوای متعالی
- ۱۴۵. ۴. شعر و اجرا
- ۱۵۶. ۵. دو نمونه‌ی آمریکایی

۵ چگونه شعر بخوانیم ۱۶۵

- ۱۶۵. ۱. آیا نقد صرفاً مقوله‌ای ذهنی‌ست؟
- ۱۷۴. ۲. معنا و ذهنیت
- ۱۸۳. ۳. لحن، فضای حسی و زیررُبم
- ۱۸۹. ۴. شدت و گام
- ۱۹۲. ۵. بافت
- ۱۹۵. ۶. نحو، دستور زبان و علائم سجاوندی
- ۱۹۹. ۷. ایهام
- ۲۰۸. ۸. علائم سجاوندی
- ۲۰۹. ۹. قافیه
- ۲۱۵. ۱۰. ضرب‌آهنگ و وزن
- ۲۲۱. ۱۱. تصویرپردازی

۶ چهار شعر طبیعت ۲۲۷

- ۲۲۷. ۱. ویلیام کالینز: «قصیده‌ای برای عصرگاه»
- ۲۳۶. ۲. ویلیام وردزورث: «دِرُوگر گوشه‌گیر»
- ۲۴۲. ۳. جرارد منلی هاپکینز: «زیبایی خداوند»
- ۲۴۸. ۴. ادوارد تامس: «پنجاه دسته همزم»
- ۲۵۴. ۵. فرم و تاریخ

- ۲۵۹. واژه‌نامه‌ی توصیفی
- ۲۶۵. فهرست توصیفی نام‌ها
- ۲۷۷. نمایه

## یادداشت مترجم

این کتاب را، که در دل بحثی خواندنی به ارائه‌ی آموزه‌هایی در جهت فهم و خوانش دقیق و درست متون شعری می‌پردازد، می‌توان در عین حال تاریخچه‌ی فشرده‌ای از شعر انگلیسی‌زبان دانست. ایگلتون خوانش دقیق متن را در درجه‌ی اول مستلزم تجزیه و تحلیل فرم ادبی یا ادبیت متن می‌داند. او مشکل غالب رویکردهای نادقیق به شعر را ناشی از تحلیل‌های صرفاً محتوایی می‌داند و در سراسر تحقیق خود، و از خلال بررسی نمونه‌های متعدّد، در تلاش برای تدقیق وجوه گوناگون فرم ادبی برمی‌آید و این که شعرهای ماندگار و تأثیرگذار در جهت بیان ایده‌های خود چه نسبتی را میان این وجوه فرمی برقرار می‌کنند و چگونه به این تناسبات شکل می‌بخشند. خواننده از طریق مجهز شدن به سلاح نقد می‌آموزد که چگونه از خلال کلمات، سطرها و بندهایی که تحت عنوان شعر بر روی صفحه شکل گرفته‌اند، ارتباط و تأثیرات متقابل وجوه فرمی شعر را شناسایی کند و دریابد که هر شعر، با توجه به آن چه بر روی صفحه عرضه می‌کند، می‌خواهد چه مفاهیمی را مطرح کند، و در این راه، با استفاده از رسانه‌ی شعر، در چه زمینه‌هایی توفیق می‌یابد و در کجا ناکام می‌ماند. برای راه بردن به فهم این رابطه‌ها آشنایی با آن زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی که شعر در آن عرضه شده ضروری است.

ایگلتون یادآور می‌شود که در شعرهای ماندگار فرم در جهت اجرای محتوا عمل می‌کند و شعرهایی با رویکردها و ایده‌های سیاسی، در کنار طرح محتوای

## ۱ در جستجوی فرم

۱. شعر فرم
۲. فصل دوم و سطر
۳. فرم و سطر: محتوای شعر
۴. شعر و فرم
۵. در شعرهای آمریکایی

## ۵ چگونه شعر بخوانیم

۱. آیا قدرتی برای شعرها هست؟
۲. معیار و نقد
۳. معیار، فضای هنر و زندگی
۴. خنثی و گام
۵. پایت
۶. شعر، مسیر زبان و علائم معنایی
۷. فرم
۸. علائم معنایی
۹. کلام
۱۰. فرم و اندک و نود
۱۱. شعر و زندگی

## ۶ چهار شعر طبیعت

۱. رویای کاتب: تصویری از طبیعت
۲. دریا: تصویری از طبیعت
۳. دریا: تصویری از طبیعت
۴. دریا: تصویری از طبیعت
۵. دریا: تصویری از طبیعت

سیاسی، فرمی سیاسی را به کار می‌گیرند. درحقیقت فرم، آن‌گونه که برخی گمان می‌کنند، بی‌اعتنایی به تاریخ نیست، بلکه راهی برای ورود به آن است و چگونگی به‌کارگیری فرم از طرف شاعران هم‌راستا با نگرش آن‌ها به دنیای پیرامون است. فرم ادبی بازتاب وضعیت تاریخی است و در شعر رویکردهای ادبی دلالت‌های اجتماعی می‌یابند. بررسی فرم‌های شعری، به‌گفته‌ی ایگلتون، گونه‌ای بررسی فرهنگ‌های سیاسی‌ست، ولی برای انجام چنین کاری ابتدا باید شعرها را در دل بافت کلامی‌شان تشریح کرد.

ناقدان برجسته‌ی ادبی از یک‌سو به جزئیات فرمی آثار ادبی حساس‌اند و از سویی به زمینه‌ی فرهنگی-اجتماعی شکل‌گیری آن‌ها. ناقدان ادبی غالباً این دو مقوله را در ارتباطی تنگاتنگ با هم می‌بینند؛ درنتیجه، رسانه‌ی زبان، به‌عنوان نقطه‌ی تلاقی این دو مقوله، در مرکز مباحث نقد ادبی قرار می‌گیرد.

ایگلتون معتقد است که همه‌ی تغییرات ایجاد شده در فرم ادبی در طول تاریخ همراه و مرتبط با دگرگونی‌های سیاسی-اجتماعی بوده است. او ریشه‌های نقد را تا بلاغت یونان باستان دنبال می‌کند؛ صنعتی که اساساً از فعالیت‌های اجتماعی جدانشدنی بوده است. ایگلتون در دل بحثی خواندنی به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه نقد از عملکرد اجتماعی خود در دوران باستان به وضعیت فعلی‌اش رسید؛ وضعیتی که نقد را بدل به امری خصوصی و غیرسیاسی کرده است.

به‌گفته‌ی ایگلتون، شعر، و به‌ویژه شعر مدرن، زبانی‌ست که معنای آن در دل خود فرآیند معنارسایی شکل می‌گیرد. درنتیجه شعر غالباً به‌نوعی درباره‌ی خود زبان است؛ به‌این‌معنا شعر پدیده‌ای‌ست که بر ما حادث می‌شود و معنای کلمات آن مبتنی بر تجربه‌ی آن‌هاست. شعرها در قالب واکنشی به هم‌نشینی کلمات و مفاهیم شکل می‌گیرند و دغدغه‌ی درک التزام درونی میان این دو را دارند. به‌این‌ترتیب، کلمات در شعر درعین‌این‌که کارکرد ارجاعی خود به دنیای واقعی را حفظ می‌کنند، این کارکرد را تابع طرح کلی رابطه‌های کلامی درون شعر می‌کنند. باین‌حال، در طول تاریخ نقد ادبی، نظریه‌پردازان برجسته‌ای نظیر فرمالیست‌ها شعر را اساساً زبانی دانسته‌اند که منحصرأ از کلمات، و نه مفاهیم، ساخته می‌شود و به رابطه‌ی خودآگاه زبان با خود اختصاص دارد.

ایگلتون برای تدقیق مفهوم شعر با این تعریف ساده آغاز می‌کند که شعر

گزاره‌ای اخلاقی و داستانی‌ست که بر خلاقیت کلامی بنا می‌شود و در آن مؤلف تعیین‌کننده‌ی مکان پایان گرفتن سطرهاست، و در ادامه به تعیین گستره و دامنه‌ی مفهوم مقولات اخلاقی، داستانی و خلاقیت کلامی می‌پردازد.

به‌باور او فرم و محتوا لزوماً نباید بر هم منطبق باشند، ولی محتوای شعر باید از طریق درک فرم آن (یعنی چگونگی بیان آن محتوا) فهمیده شود. درک فرم و محتوا در چارچوب یکدیگر لزوماً به‌معنی درک آن‌ها در قالب مقوله‌ای واحد نیست. در واقع بخش عظیمی از تأثیر مسحورکننده‌ی شعرهای ماندگار به‌دلیل تنش‌ها و ناهم‌خوانی‌هایی‌ست که میان فرم و محتوای شعر درمی‌گیرد.

این ایده که در مورد بعضی از وجوه فرمی شعر (نظیر لحن، فضای حسی، گام، شدت، زیر و بم و...) اختلاف نظر جدی وجود دارد به‌این‌معنی نیست که آن‌ها مقولاتی صرفاً ذهنی و سلیقه‌ای هستند. در واقع ما در رابطه‌با این موارد فرضیات و برداشت‌هایی را مطرح می‌کنیم و در ادامه، به‌کمک شواهدی که به دست می‌آوریم، در مورد آن فرضیات به یقین و قطعیت می‌رسیم. می‌توان برای اختلاف‌نظرهای ناقدانه در این عرصه‌ها از طریق مقولاتی زیربنایی از قبیل فرم‌های احساسی و رفتاری و شیوه‌های تفکر در دل یک زبان و فرهنگ مشترک، که اموری همگانی هستند، حد و مرزهایی تعیین کرد. بافت‌های کلامی عرضه شده در شعرها در دل زمینه‌های فرهنگی شکل گرفته‌اند، و این زمینه‌های فرهنگی واسطه‌ی درک دنیای مادی هستند. در نتیجه خصایص فرمی مذکور هیچ‌یک به دلخواه و سلیقه‌ی خواننده شکل نمی‌گیرند و موجودیت آن‌ها حاصل فرآیندهای قاعده‌مند اجتماعی‌ست. به‌تعبیری، معنادهی شعر چیزی متفاوت با تداعی ذهنی خواننده است. درنتیجه اگر یک معنای ضمنی، که به ذهن یک خواننده رسیده، نتواند برای خوانندگان دیگری هم به‌طرز معقولی پذیرفتنی باشد عملاً شعر فاقد چنان معنایی خواهد بود. این موضوع در مورد قضاوت در باب ارزش شعر هم صادق است.

ایگلتون بر این موضوع تأکید دارد که در شعرهای تأثیرگذار و ماندگار شاعر، به‌نوعی، هریک از عناصر و جنبه‌های مختلف محتوایی و فرمی شعر را مد نظر دارد و آن‌ها را، با اشراف بر رسانه‌ی بیانی خود، برمی‌گزیند و در مکان مناسب می‌گنجاند و به‌نحو مقتضی از هریک بهره می‌گیرد. طرح این موضوع به‌معنی برخورد مکانیکی و خط‌کشی شده با شعر نیست، بلکه به‌معنی درک اهمیت وجوه